

صدای عقل

صدای عقلا از خردمندی و
حقیقت جان آدمی و هستی
نهان جهان و نسبت آن با
بنیان های هستی زندگی و
اثر بخشی وی سخن می گوید

دکتر محمد علی نویدی

سرشناسه
عنوان و نام پدیدآور : صدای عقل / محمدعلی نویدی.
مشخصات نشر : ۱۳۹۵، تهران : دایره دانش
مشخصات ظاهری : ۳۶۳ص.
شابک : ۹۷۸۶۰۰۷۱۱۱۴۰۶
وضعیت فهرست نویسی : فیبا
یادداشت : کتابنامه.
موضوع : عقل
سوء : Reason :
رده بندی کنگره : ۱۳۹۵۷۴۵B : ۹/ع۷
رده بندی د : ۰۷/۱۸۱ :



صدای عقل

نویسنده : نویدی، محمد علی
مدیر نشر : حامد جمالی نسب
صفحه آرای و طراحی : علیرضا دارستانی فراهانی
نوبت چاپ : اول - ۱۳۹۵
تیراژ : ۵۰۰
قیمت : ۲۲۵۰۰۰ ریال
شابک : ۹۷۸۶۰۰۷۱۱۱۴۰۶

دفتر فروش، تهران - خیابان انقلاب - روبروی تربیت بدنی دانشگاه تهران - جنب بانک

صادرات - کتابفروشی محسن

تلفن: ۶۶۴۹۲۶۶۲ - ۰۹۱۲۳۷۷۶۸۸۰

کلیه حقوق و حق چاپ متن و عنوان کتاب که به ثبت رسیده است؛ مطابق با قانون حقوق مولفان و مصنفان مصوب ۱۳۳۸ محفوظ و متعلق به انتشارات دایره دانش می باشد. هرگونه برداشت، تکثیر، کپی برداری به هر شکل (چاپ، فتوکپی، انتشار الکترونیکی) بدون اجازه کتبی ناشر ممنوع بوده و متخلفین تحت پیگرد قانونی قرار خواهند گرفت.

فهرست مطالب

۹.....	صدای عقل.....
۹.....	پیش گفتار.....
۱۵.....	انسان در جست و جوی سعادت و رستگاری.....
۱۹.....	نیاز بنیادین انسان.....
۲۳.....	پرسش بنیادین انسان.....
۲۹.....	جنبش، نه آرامش.....
۳۳.....	تفکر و تعقل، نمون و نشان انسانیت.....
۳۷.....	عقل، حقیقت، متعالی وجود انسان.....
۴۳.....	ملاک برتری انسان بر سایر جانداران.....
۵۱.....	مجال برای تفکر.....
۵۷.....	عقل و حق.....
۶۱.....	منطق رفتار در زندگی.....
۶۷.....	فکر استوار لازمه ی زندگی استوار.....
۷۳.....	توسعه و تکامل امتداد عقل، نه امتداد جسم (۱).....
۷۹.....	توسعه و تکامل امتداد عقل (۲).....
۸۵.....	عقل و ارزش (۱).....
۹۱.....	عقل و ارزش (۲).....
۹۵.....	عقل و عادت (۱).....
۱۰۱.....	عقل و عادت (۲).....
۱۰۷.....	عقل و جامعه (۱).....
۱۱۳.....	عقل و جامعه (۲).....
۱۱۷.....	عقل و اختیار (۱).....
۱۲۵.....	عقل و اختیار (۲).....
۱۳۱.....	عقل و اختیار (۳).....
۱۳۷.....	عقل و اختیار (۴).....
۱۴۳.....	عقل و اختیار (۵).....
۱۵۱.....	عقل و اختیار (۶).....
۱۵۹.....	عقل و اختیار (۷).....
۱۶۵.....	عقل و عمل (۱).....

۱۶۹.....	عقل و عمل (۲).....
۱۷۷.....	عقل و عمل (۳).....
۱۸۳.....	عقل و عمل (۴).....
۱۹۱.....	عقل و عمل (۵).....
۱۹۷.....	عقل و عمل (۶).....
۲۰۳.....	عقل و عمل (۷).....
۲۰۹.....	عقل و عمل (۸).....
۲۱۷.....	عقل و عمل (۹).....
۲۲۳.....	عقل و عمل (۱۰).....
۲۲۹.....	عقل و عمل (۱۱).....
۲۳۵.....	عقل و عمل (۱۲).....
۲۳۹.....	عقل و عمل (۱۳).....
۲۴۵.....	عقل و علم (۱).....
۲۵۵.....	عقل و علم (۲).....
۲۶۳.....	عقل و علم (۳).....
۲۷۳.....	عقل و علم (۴).....
۲۸۵.....	عقل و علم (۵).....
۲۹۵.....	عقل و علم (۶).....
۳۰۳.....	عقل و علم (۷).....
۳۱۳.....	عقل و علم (۸).....
۳۱۹.....	عقل و علم (۹).....
۳۴۹.....	عقل و علم (۱۰).....
۳۵۷.....	عقل و علم (۱۱).....

صدای عقل

عقل و حق در اصل ز آوای خداست

تا نپنداری صدای عقل، آهنگ جداست

پیش گفتار

صدای عقل از خردش و حقیقت جان آدمی و هستی نهان جهان و نسبت آن با بنیان های هستی زندگی و اثربخشی یی سخن می گوید.

صدا تولید می شود و به گوش می رسد و شنیده می گردد و ندا و بانگ بر می خیزد و خبر می رسد و آوای آدمی طنین می اندازد و آسکان و آواک آن در سمع و نظر آدمیان می پیچد و پخش و منتشر می شود؛ اما، کدامین صدا؟ و چیست آن صدا؟

صدا در اصل و بنیان، احساس ناشی از تحریک شدن اعصاب شنوایی و ارتعاش های مکانیکی که بر اعصاب شنوایی اثر می گذارد و باعث شنیدن می شود است. اگرچه آن نیز مهم است و در جایگاه خود نقش بی بدیل دارد و اگر نباشد صدایی نیست. اما، صدا ظاهری دارد و باطنی، ابزاری دارد و اصلی، فرعی دارد و ریشه ای؛ صدا، نیوشیدن است و نیوشیدن گوش جان دادن و آنگاه درک کردن و فهمیدن است، پس صدا، دریافتن و پذیرفتن است. نیوشیدن، نیوشا و نیوشان می طلبد و آن نیز با تأمل و تمایل و اهتمام و اهتزاز قرین و هم نوا است. پس صدا، صدای تأمل و تفکر است و ندا، ندای عقل و تعقل است.

عقل در اصل و بنیان و مبدأ و ریشه با حق و حقیقت و حقانیت و دیانیت، وحدت تکوینی دارند. عقل در مقصد و مراد و معاد نیز با حق و حقانیت، یگانگی ذاتی دارند و این موضوع در فطرت و وجدان آدمی سرشته گشته و انسان با نظر بی واسطه آن را در می یابد بدین سان، عقل ارزانی یزدان است و ریشه در حق مطلق و حقیقت بی کران دارد.

عقل حقیقت است ، حقیقت متعالی و مجرد و مستقل و بسیط هستی و زندگی آدمی . عقل ، نیرو و توان و قدرت زندگی انسان است و آدمی با عقل زنده و بیدار است . عقل ، جوهر و روح وجود انسان و حقیقت نهان جهان است .

صدای عقل ، صدای حقیقت جان آدمی است ، جانی که همچون رودخانه ی زلال و آب گوارا در جریان و سیلان است و همچون پرواز پرنده ی تعالی جوی در طیران و سیران است . آری ، صدای عقل ، صدای جان است ، صدای عقل ، صدای خردمندی و عقلانیت است ، صدای عقل ، صدای تفکر و انسانیت است ؛ آری ، صدای عقل ، صدای انسان و انسانیت است .

صدای عقل در مقابل بانگ خشم و عصبانیت و قدرت عنان گسیخته و گسیختگی غضب آدمیان است . صدای عقل ، در مقابل هوای شهوت و اصرار نفس اماره است ، یعنی ، صدای عقل ، صدای اندیشه و ادب است . بدین سان صدای عقل ، صدای صفای دل و صافی ضمیر است و صدق و حق و راستی و انصاف است .

صدای عقل ، صدای رشد ، توسعه ، تکامل و تبدیل و تحول بذر زندگی به نهال و درخت تناور و بالنده و سایه و ثمر دار است ، پس صدای عقل ، صدای هیبوط و نزول است و صدای صعود و عروج است ؛ یعنی صدای عقل ، آگاهی از سقوط و بذر بودن و سیر منازل و طی طرائق و به تعالی و ترقی رسیدن است .

صدای عقل ، صدای اندیشیدن و آفرینش است ، اندیشیدن به زندگی ، به سرنوشت ، به چگونه شدن و به چگونه رسیدن ؛ و به معاش و معاد و هستی و حقیقت آدمی . آری صدای عقل اندیشیدن و آفریدن است تا آدمی راه خود را که راه زندگی زمانی و زمینی است با همراهی عقل و یابوری حق به سر منزل مقصود برساند .

صدای عقل ، صدای وسعت جان و جهان است . جان آدمی با نیوشیدن آوای عقل و حق وسعت می یابد و آنگاه چابک و چالاک می گردد و تیز بین و دور بین می شود و انفتاح و گشودگی می یابد و سعه و فراخی می گسترده و جان فربه می گردد و وسعت می یابد ، و آنگاه جان چو دیگر شد جهان دیگر شود ، و جهان برای چه کسی و چه جانی فراخ تر و بزرگتر و گسترده تر است؟ یعنی ، وسعت جهان از کجا نشأت می گیرد؟ آری ، جهان برای جان های بزرگ ، بزرگ تر است ، جهان برای آدمیان وسعت یافته ، وسیع تر است ، جهان برای مغز های متفکر فراخ تر است ؛ پس ، جان و جهان نسبت وجودی دارند .

صدای عقل، اصلاً و اساساً، صدای علت شناسی و نگاه و نگرش اصیل و عمیق است، صدای عقل، صدای ریشه ها و بنیان ها و بنیادهاست؛ و بر این اساس تعریف و تبیین معلول ها و معلوم ها آسان گردد، زیرا که عقل علت شناس است و درمان درد های آدمی را در علت ها می داند و معلول ها و معلوم ها را زاده علت ها و مجهول ها قلمداد می کند؛ و تفکر علمی را مبتنی بر اصل علیت می داند و ادراک اشیاء همراه با علل آن ها را پایه ی تمایز خود از سایر قوای آدمی تلقی می کند و انکار علیت را انکار عقل می داند.

صدای عقل، صدای دیدن اندیشه است، به تعبیر دیگر، صدای عقل دیده شدن موجودات با اندیشه و عقل است. و این همان نیوشه ی آوای حقیقت جان و ندای عقل است. دیدن و دیده شدن به واسطه ی عقل و اندیشه، اصل صدای عقل است.

صدای عقل، صدای بالندگی و رشد خود عقل و پیدایش مراتب عقل است، عقل استقرائی، تجربی، جزوی، کلی، هستی، استفاده، فعال، فطری و سایر انواع عقل. اما، عقل، عقل است و آن نور و روشنایی وجود انسانی و حاصل کشف و انکشاف، ابداع و ابتکار، آفرینش و خلق و تدبیر و تصمیم بشری و نیروی تمیز و تشخیص آدمی در زندگی است.

صدای عقل صدای تفاوت ها در تشابه ها و تشابه ها در تفاوت ها. تفاوت از حیث خلق و خلق و تشابه از حیث خلق و خلق. تمایز از جهت جسم و تن و روح و روان و تشابه از نظر ظاهر و باطن. تفاوت در استعداد ها و ساختار ها و تشابه در قوای انسانی و ریخت و ساخت ظاهری. آری، صدای عقل صدای انسان است در جامعیت و کلیت آن. صدای عقل، صدای استكمال انسان است که هرکس به کمال لایق خود بتواند رسید و عقل فطری و انفعالی خود را بتواند فعلیت بخشد و قوای ظاهری و باطنی خود را بتواند شکوفان نماید، و عقل را در جان را عمیق و هستی را بزرگ گرداند.

صدای عقل صدای زندگی است، زیرا که عقل همیشه و پیوسته زنده است و زندگی از اوست و زنده بودن به اوست و او با حقیقت مطلق زنده است. و عقل بزرگ و تفکر عمیق، فرهنگ و تمدن بالنده و رشد یابنده و زنده و سر زنده و زاینده و پاینده به ارمغان می آورد و آدمی منزل به منزل راه ترقی می پیماید.

صدای عقل، صدای مغز، مخ، هوش و هوشمندی و هسته ی اصلی هستی انسان است. پس، صدای عقل صدای برهان و استدلال و حجت و دلیل است، چرا که، خردمندی و هوشمندی جز

به برهان قانع نگردد و عقلا و اندیشه وران جز به منطق و برهان رضایت ندهند و مغز جز به جستجوی حقیقت اکتفا نکند و خرد جز به حق خرسند نباشد.

صدای عقل، آوای منع و نهی و ندای دعوت و صلائی است. منع و نهی از کثری و ناراستی، از ناروایی و ناحقی و دعوت و صلا بر راستی و حق و تفکر و حقیقت. و این در اصل وضع واژه عقل هم زاد وی بوده است. یعنی، عقل قطب نما و فرمان وجود آدمی است که هم جهات گم ره کننده را بنماید و هم جهات ره یابنده را.

صدای عقل، صدای بیداری و هوشیاری است، بیداری از خواب و غفلت و هوشیاری از استغراق در حس و لذت. یعنی، صدای عقل، بانگ همیشه بیدار و زنده است و خواب ناکی را هلاکت و زوال و ضلالت می داند. آری، زوال عقل به خواب ناکی عقل است، و درمانش به آگاهی و هوشیاری و سوز ناکی عقل است؛ یعنی، آفتاب عقل را همواره باید در سوز داشت تا جان آدمی افروخته و تابناک باشد؛ فروزنگی، تابناکی عقل، آفات عقل را زایل می کند، پس آفتاب عقل، آفات عقل را می زداید و آن را صیقل می دهد.

باری، عقل اثربخش، عقل زندگانی، عقل علم، عمل است. عقل اثربخش، در کاوش و جستجوی سعادت و رستگاری است، عقل اثربخش، نیازهای بنیادین آدمی را می شناسد و پرسش های مبنایی آدمی را مطرح می سازد. در واقع عقل اثربخش، عقل زندگی واقعی و عینی انسان است. عقل اثربخش از جنبش و حرکت زندگی و لزوم تفکر و تعقل که نشان انسانیت انسان است خبر می دهد و به آدمی گوش زد می کند که ما یک برتری او چیست و انسان را دعوت به تفکر و مجالی برای خردورزی می نماید.

عقل اثربخش با حق و منطق زندگی سر و کار دارد و زندگی بالنده و استوار را حاصل فکر و تفکر قوی می داند و ضمن یادآوری ضرورت تعالی و تکامل، ترقی را امتداد عقل و اندیشه می داند و عقل و اندیشه ای که ریشه در حق و حقانیت دارد. عقل اثربخش ارزش شناس است. و به اثر بخشی ارزش ها و چیستی و چگونگی آن ها توجه و تفتن دارد. عقل اثربخش از عادات آدمی پرسش می کند و آن ها را به نقد و نظر می کشاند، و عقل به ضرورت اجتماع آدمی استدلال و برهان می آورد و لزوم جامعه را برای سعادت وی متذکر می شود.

عقل سر منشأ و سرچشمه ی آگاهی و آزادی است و اختیار را از ذاتیات آدمی می داند و بدون آگاهی و آزادی سیر منازل را برای انسان ناممکن می شمارد.

عقل اثر بخش ، عقل عمل است ، یعنی عقل را با عمل و عین و عمل و عین را با عقل ملازم و مکمل می داند ، عقل اثر بخش عقل انتزاعی نیست بلکه عقل انضمامی و واقعی و حقیقی است . عقل اثر بخش چشمه ی علم و دانش است . علم ریشه در عقل دارد و دانش و فناوری ریشه در علم و زندگی انسان بستگی تام و تمام به عقل و علم و تکنولوژی . صدای عقل ، صدا و صلاهی ورود به ساحت عقلانیت و تفکر است ، و تفکر مهر تکوینی و نشان و نمون و علامت و اثر فطری انسان و انسانیت است .

www.ketab.ir